

متن پرسش

سلام استاد: می‌خواستم که بگویم خسته شده‌ام، از همه چی، بدم میاد از مدرسه چون با سعی ها و تلاش های بسیار مدیر که مثلا از طرف آموزش و پرورش آمده و میخواد نظم و علم را به طرز عجیبی باهم قاطی کرده و بخورد ما داده. دلم میخواد بین تمام این مدرسه رفتن ها صد سال رو فقط نخوابم، دلم میخواد به مدت طولانی برم توی آسمون. چون تجربه بهم ثابت کرده که نباید چیزی برام مهم باشه و اینا هم میخوان به عنوان درس خوندن پاشم هر روز وقتم رو بگذارم و برم . خدا یا خسته شدم دیگه من بین تمام کثافت کاری هایم و ضرر زدن به جواهرات بدنم حضرت علی (ع) را دیدم و روشن شد از پس کلی تاریکی و دود و مه، آدمی و آدمیت، همانطور که یک برگ بدون اذن خدا از درخت نمی افتد خدا بالا ترین دست را دارد و بیخود نیست که من بعد دوران کودکی ام که با پدر و مادرم سپری کردم چشمم به حاج قاسم خورد و بکلی خودم رو جای دیگه ای دیدم. اما چرا باید یه کاری بکنن که آدم از انقلاب و قلب و حضرت آقا زده بشه، بعد دوباره برای پیدا کردن امام خمینی و حضرت آقا کلی ضرر بزنم. این قدر فضای مدرسه رفته توی مغزم که انگار یک خنجر زهر آلود گیر کرده توی استخوانم. چرا باید به آدم های مختلف فکر کنم؟ اصلا گور بابای اینکه من هدفم رشته الکترونیک بوده و... چرا من باید برم توی همچین فضای عفونتی مثلا درس بخونم، چون باید بدونید که درس خوندن یعنی این که خودم رو در اختیار خودم بزارم و راحت باشم. برای این که نظم در مدرسه برقرار باشه همه جا را تا ارتفاع هزار متر میگیرن فنس میکشن و در ورودی رو هم شیش تا قفل میبندن روش، خب این فرقی با گاوداری چیه، از این طرف باید با یک مشت آدم که هیچ نسبتی با من ندارن یعنی معلم ها و هم کلاسی ها حرف بزنم، در حالی که من اصلا دلم نمی خواد جواب سلام شون رو هم بدم. خب اینا همه آیا غیر از اینه که توش برنامه ریزی شده که این کارها رو بکنن و به طرز عجیبی مسیر یک ملت و یک آرمان رو عوض بکنن؟ پس اگه معلوم شد که آموزش و پرورش در این حد باز هم به طرز عجیبی تحت کنترل غرب و آمریکاست، چرا که تسخیر نشود؟ حالا که معلوم شد می‌خواهند از پس جوانان انسان هایی تو خالی و پوچ یا به اصطلاح غرب زده و غرب پرست باشند چرا که تسخیر نشود؟ چرا از خدا نخواهیم؟ چرا حضور پیدا نکنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله استعدادهای خوبی در جانتان نهفته است که باید با بروزدادن هرچه بیشتر آن‌ها خود را گسترده‌تر بیابید و این با همان صحبت آیت الله حسن‌زاده پیش می‌آید که

مکرر می‌فرمودند: «دست در کار، و دل با یار» باید باشد. به این معنا که باید در همین زندگی، آری! در همین زندگی کار را جلو برد. مهم توجه به آرمان‌های بزرگ تمدن اسلامی است و عبور از این نوع تنگناها، ولی با روشی که رهبر معظم انقلاب به میان آورده‌اند به آن معنا که: «برای آبادکردن دهی نباید شهری را خراب کرد» این‌جا است که ما در عین انتقاد به وضع موجود آموزش و پرورش و گله‌مندی‌هایی که رهبر معظم انقلاب سال‌های قبل مطرح فرمودند؛ معتقدیم با احیای روحیه معنویت و مقاومت به مرور از این مشکلات و موانع عبور خواهیم کرد آن هم به روش شهید رئیسی «رحمت‌الله‌علیه». در نظر داشته باشید این انقلاب، رئیسی‌ها در پیش دارد و با حضور در همین نظام آموزشی توسط امثال شما و با دقت به همین دروس، شماها آماده حضور در آینده‌ای بزرگ‌تر خواهید شد. مهم آن است که متوجه باشید با انقلاب اسلامی تاریخی آغاز شده است و معلوم است که حضور در این تاریخ و عبور از تاریخی که تفکر غربی بر آن تأکید دارد کار آسانی نیست ولی به گفته شاعر

کانال اشاره‌های ناخوانا <https://eitaa.com/esharenakhana>

نباشد هیچ بن بستى برای ما ولو در چاه

که ما را یوسفی باشد، و راهی هفت در داریم.

موفق باشید